



امام خمینی به مسئله‌ی وابستگی چگونه می‌نگریست؟

امام تخریب ارزش‌های مذهبی و باورهای دینی مردم را یکی از مهم‌ترین ابعاد وابستگی فرهنگی می‌دانستند و معتقد بودند تعهد به ارزش‌های دینی تنها راه مقابله با قدرت‌های بزرگ است: «وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلامی باشیم.»

به مناسبت سخنرانی امام درباره وابستگی رژیم شاه؛
امام خمینی به مسئله‌ی وابستگی چگونه می‌نگریست؟

امام تخریب ارزش‌های مذهبی و باورهای دینی مردم را یکی از مهم‌ترین ابعاد وابستگی فرهنگی می‌دانستند و معتقد بودند تعهد به ارزش‌های دینی تنها راه مقابله با قدرت‌های بزرگ است: «وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلامی باشیم.»

قطعاً وابستگی رژیم شاه به آمریکا و حضور وسیع نیروهای آمریکایی و اروپایی در ساختار اقتصاد، ارتش، فرهنگ و... یکی از محرکات اصلی اعتراضات مردمی به رهبری امام خمینی (ره) بود. وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان در ابعاد مختلف آن، تا حدی بود که شعار استقلال به یکی از اساسی‌ترین مطالبات جنبش انقلابیون و امام (ره) تبدیل شد. به‌زعم بسیاری از تحلیل‌گران، طرح چنین شعارهایی بیانگر واکنش مردم به وابستگی‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی حکومت پهلوی به کشورهای چون آمریکا و انگلیس بود. امام خمینی (ره) ضمن وقوف کامل به این موضوع و آگاه کردن مردم به آن، یکی از اهداف اصلی مبارزات خود را مقابله با وابستگی رژیم پهلوی عنوان نمودند. ایشان بارها تأسف خود را از وابستگی شدید شاه به آمریکا ابراز کردند. از جمله در یکی از نطق‌های معروف خود که بعدها در 4 بهمن 1357 در رم انتشار یافت، فرمودند: «هر نوع وابستگی به آمریکا یا شوروی، در حکومت آینده‌ی ایران مردود است.» به همین بهانه و در سالروز سخنرانی تاریخی ایشان، نوشته‌ی پیش رو به ابعاد مختلف وابستگی رژیم پهلوی در اندیشه‌ی امام (ره) می‌پردازد.

مفهوم وابستگی در اندیشه‌های امام خمینی

موضوع وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا، از موضوعات محوری در اندیشه‌های امام است. بررسی سخنرانی‌های ایشان در باب وابستگی، به‌خوبی مؤید این مطلب است. مصاحبه‌ی معروف امام که در آستانه‌ی پیروزی انقلاب در رم منتشر شد، بیانگر اهمیت این موضوع است. ایشان در این رابطه فرمودند: «هر نوع وابستگی به آمریکا یا شوروی، در حکومت آینده‌ی ایران مردود است.»

امام معتقد بودند که رژیم شاه در بسیاری از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به آمریکا و سایر کشورهای اردوگاه غرب وابسته بوده و این موضوع تأثیری منفی بر رابطه‌ی میان مردم و حکومت گذاشته است. بنابراین ایشان با استفاده از قاعده‌ی نفی سبیل و تعمیم آن به عرصه‌ی حکومتی، به نفی سیطره‌ی اجانب بر کشور پرداخته و رفع سلطه‌ی بیگانگان را واجب دانستند. امام وابستگی رژیم شاه را عاملی مهم در نارضایتی مردم دانسته و معتقد بودند این موضوع عامل مهمی در جدایی مردم از شاه و در نهایت پیروزی انقلاب است.

وابستگی سیاسی

استقلال سیاسی در مفهومی کلی، به معنای آزادی نسبی یک کشور از دخالت دیگران در امور داخلی و خارجی مربوط به آن کشور است. در اندیشه‌ی امام، یکی از وجوه اصلی استقلال سیاسی، عدم سلطه یا دخالت بیگانگان در سرنوشت مردم ایران و اراده‌ی آزاد ملت در تعیین سرنوشت خود است. امام در رابطه با وابستگی سیاسی رژیم پهلوی معتقد بودند: «ایران چنانچه می‌دانیم و می‌دانید، دست‌بسته تسلیم آمریکا بود و شاه مخلوع خائن، این کشور را در تمامی ابعاد وابسته به آمریکا کرده بود.» [1] و یا در جای دیگر، در همین رابطه، فرموده بودند: «شاه در برابر بیگانگان، به‌ویژه آمریکا، بله‌قربان‌گو بود.» وابستگی شاه و به تبع آن کشور، در امور داخلی و خارجی، یکی از ویژگی‌های اساسی رژیم شاه بود. البته «کودتای 28 مرداد نیز به آن وابستگی افزود؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های بعد تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، این وابستگی تشدید گردید.» [2]

وابستگی همه‌جانبه و بی‌اختیاری شاه در برابر قدرت‌های خارجی و سلطه‌ی آن‌ها بر کشور، در حدی بود که یک وابسته‌ی نظامی آمریکا در تهران گفته بود که شاه شخصاً از طرفداران دوآتشه‌ی دخالت آمریکا در امور تهران است. وی معتقد بود: «شاه بی‌نهایت طرفدار آمریکاست؛ تا حدی که برای جلب نظر آمریکا حاضر است امتیازات نفتی ارزشمندی بدهد.» [3]

همین مسئله باعث شده بود تا آمریکا به‌راحتی در بسیاری از امور داخلی کشور دخالت کرده و سیاست‌های خود را به شاه تحمیل نماید. سیاست‌هایی چون اصلاحات ارضی و یا انتصاب علی‌امینی به نخست‌وزیری جهت اجرای اصلاحات ارضی، تنها نمونه‌ی کوچکی از این دخالت‌هاست. در واقع نفوذ و سیطره‌ی بیگانگان در این دوره، در حدی بود که کشور به حیاط‌خلوت و منطقه‌ی نفوذ قدرت‌های جهانی تبدیل شده بود. «آن‌ها در عزل و نصب مقامات ارشد، نمایندگان مجلس، تصویب یا رد لوایح و قوانین، امضای قراردادهای و پروتکل‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و... نقشی آشکار و پنهان داشتند.» [4]

در همین رابطه، یکی از اقدامات مهم شاه، که اعتراض مردم و امام را به دنبال داشت، موضوع تصویب کاپیتولاسیون است. کاپیتولاسیون، لایحه‌ی مصونیت مستشاران و تبعه‌ی آمریکا بود که در مهر ماه سال 1342، در کابینه‌ی علم به تصویب مجلس رسید. بعد از تصویب این لایحه، امام با موضع‌گیری‌های مختلف طی یک سخنرانی، سکوت در برابر این لایحه را گناه کبیره خواندند. [5]

دامنه‌ی دخالت‌های سیاسی آمریکا در امور خارجی نیز کاملاً مشهود بود. گرچه ایران به عضویت چند پیمان منطقه‌ای از جمله پیمان بغداد یا پیمان سنتو درآمد، اما کاملاً تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا عمل می‌نمود. به طوری که می‌توان مهم‌ترین ویژگی حکومت پهلوی در بُعد سیاست خارجی را وابستگی شدید آن به غرب و بیگانگان دانست. وابستگی در این عرصه، چنان فراگیر و فزاینده بود که شاه پیوسته از سوی مردم و مخالفان مورد انتقاد قرار می‌گرفت. صاحب‌نظرانی چون هالیدی نیز در تشریح سیاست خارجی رژیم شاه اعتقاد داشتند: «دولت ایران به میزان زیاد، وابسته به حمایتی است که از آمریکا و دنیای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری به طور کامل دریافت می‌کند.» [6]

وابستگی اقتصادی بُعد دیگر وابستگی رژیم پهلوی، در اندیشه‌ی امام، وابستگی اقتصادی است. امام بر این باور بود که «اگر مملکت وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه‌جور وابستگی دنبالش می‌آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کنیم.» [7] یکی از نقاط عطف و مهم وابستگی اقتصادی شاه به آمریکا و غرب، به مسئله‌ی نفت مربوط می‌شود.

گرچه نهضت ملی شدن نفت با هدف قطع ایادی بیگانگان از منابع نفتی و اقتصادی کشور به پیروزی رسید، اما بعد از کودتای 28 مرداد، آمریکا و هم‌پیمانانش با امضای قرارداد کنسرسیوم، بار دیگر مجال دخالت در امور اقتصادی کشور را پیدا کردند: «قرارداد کنسرسیوم، قراردادی استعماری بود که پس از کودتای 28 مرداد 1332 رژیم دست‌نشانده‌ی شاه، زاهدی به ایران تحمیل کرد و مفاد آن مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت بود.» [8]

آمریکا از طریق کنسرسیوم توانست رسماً وارد صحنه‌ی اقتصادی ایران شود و بخش قابل توجهی از منابع نفتی خود را در ازای فروش کالاهای نامرغوب خود تأمین کند. به‌واقع نفت نقش مهمی در رابطه‌ی اقتصادی آمریکا و رژیم پهلوی داشت؛ چراکه «نفت به‌مثابه‌ی خون برای اقتصاد این کشور عمل می‌کرد. در نتیجه، بدون عرضه‌ی ارزان نفت، تداوم توسعه‌ی اقتصادی آمریکا امکان‌پذیر نبود.» [9]

این امر در درازمدت، ضمن تأمین نیازهای نفتی آمریکا و غرب، وابستگی اقتصادی کشور در زمینه‌ی کالاهای اساسی را به دنبال داشت. این در حالی بود که بسیاری از آن کالاهای، قابلیت تولید در کشور را داشتند. امام با آگاهی از این موضوع، وابستگی اقتصادی به غرب را عاملی جهت اتلاف ذخایر ملی از جمله نفت معرفی کردند:

«می‌گویند نفت را به اندازه می‌دهیم، آن‌ها هم همه می‌دانند که این نفتی که شما می‌دهید و خودتان می‌گویید تا بیست سال دیگر، سی سال دیگر تمام می‌شود، این برای این است که بی‌اندازه می‌دهید.» [10]

اصلاحات ارضی نیز سیاست تحمیلی دیگر آمریکا بود که از نظر امام، با هدف تخریب کشاورزی ایران و تشدید وابستگی اقتصادی ایران صورت گرفت. بسیاری از تحلیل‌گران نیز بر این باورند که هدف اصلاحات ارضی، «تبدیل ایران به بازار کالاهای غربی و آمریکا بوده است.» [11] به همین دلیل، امام با اعلام اینکه نگذارید کشاورزی را از بین ببرند، ضمن مخالفت با این سیاست، خواستار قطع وابستگی اقتصادی کشور به غرب و آمریکا بودند.

استقلال هویتی-فرهنگی

بخش مهمی از مبارزات امام خمینی، مبارزه با سلطه‌ی فرهنگی در راستای وابستگی فرهنگی رژیم پهلوی به غرب بود. از نظر امام، سلطنت پهلوی، ایران را از لحاظ فرهنگی کاملاً وابسته به غرب ساخته بود: «کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است.» [12] در این رابطه، تلویزیون یکی از ابزارهای مهم در زمینه‌ی ترویج فرهنگ غرب بود: «بعد از کودتای 28 مرداد، ترویج فرهنگ غرب، بیش از گذشته مورد توجه واقع شد. تلویزیون ایران فیلم‌هایی را نمایش می‌داد که محتوای آن‌ها عشق‌بازی و لودگی غربیان و مانند این‌ها بود.» [13] همچنین حضور مستشاران خارجی که در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی کشور فعال بودند، به این مسئله بیشتر دامن می‌زد.

در واقع فرهنگ غرب به‌حدی برای محمدرضا شاه جاذبه داشت که وی در سال 1333، رسماً اعلام کرد: «شیوه‌ی زندگی غربی با الگوی ارزش‌های اسلامی ما هماهنگ است. سپس اعلام کرد: غربی کردن آرمان ماست و منافع ایران در اتحاد با غرب، به بهترین وجه تأمین می‌شود. شاه در زندگی خصوصی‌اش نیز چنان غرب‌گرا شده بود که تنها موسیقی و فیلم‌های غربی مورد علاقه‌اش بود.» [14]

به‌طور کلی در توصیف وضعیت فرهنگی این دوره باید گفت «اقدامات فرهنگی، در تمامی عرصه‌ها (نشریات، کتب، رادیو و تلویزیون، سینماها و...) در تضاد آشکار با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مردم قرار داشت.» [15] امام با آگاهی از این موضوع، «فساد موجود در تمدن غرب را به‌حدی می‌دانند که خود غربی‌ها نیز از آن ناراضی هستند. از نظر ایشان، جوامع غربی نه تنها خود دچار فساد شده‌اند، بلکه سعی می‌کنند فساد و اخلاق فاسده‌ی غربی را در جوامع شرقی و اسلامی نیز ترویج کنند.» [16]

ایشان در انتقاد به وابستگی فرهنگی کشور، دلیل مهم این مسئله را دور شدن مردم از باورهای فرهنگی و دینی خود و گرایش به فرهنگ غربی عنوان کردند. امام تخریب ارزش‌های مذهبی و باورهای دینی مردم را یکی از مهم‌ترین ابعاد وابستگی فرهنگی دانسته و معتقد بودند تعهد به ارزش‌های دینی، تنها راه مقابله با قدرت‌های بزرگ است: «وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ

مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلامی باشیم.» [17] در واقع علت اهمیت و حساسیت امام به مسئله‌ی وابستگی فرهنگی، از آنجا ناشی می‌شد که به باور ایشان، وابستگی فرهنگی، وابستگی در سایر ابعاد را نیز به دنبال داشت، زیرا تبلیغ فرهنگ غرب، تغییر سبک زندگی مردم در سایر ابعاد را به دنبال داشته و در نتیجه، در درازمدت وابستگی اقتصادی و سیاسی نیز به وجود خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

بدین‌سان بررسی موضوع پیرامون مفهوم وابستگی رژیم پهلوی از منظر امام (ره) نشان داد که یکی از انتقادات مهم امام از شاه، وابستگی وی به بیگانگان از جمله آمریکا در ابعاد مختلف آن به‌خصوص بُعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ایشان با استناد به قاعده‌ی فقهی نفی سبیل و تعمیم آن به عرصه‌ی حکومت، خواهان زدودن آثار سیطره‌ی بیگانگان در تمام ابعاد بودند. در زمینه‌ی سیاسی، امام تحمیل بسیاری از سیاست‌های آمریکا در زمینه‌ی انتصاب صاحب منصبان و یا سیاست‌هایی چون اصلاحات ارضی و استخدام مستشاران نظامی را مصداق بارزی از وابستگی سیاسی می‌دانستند و طی بیانیه‌های مختلف به این موضوع اعتراض کردند.

در زمینه‌ی اقتصادی نیز انتقاد امام بیشتر متوجه اموری چون سیطره‌ی آمریکا و غرب بر منابع نفتی و خرید بی‌رویه‌ی بسیاری از مواد طبیعی و کمیاب کشور در ازای دریافت کالاهای نامرغوب غرب و وابسته کردن کشور در زمینه‌ی کالاهای اساسی بود و در نهایت، در زمینه‌ی وابستگی فرهنگی، امام ترویج ارزش‌های غربی و دور کردن مردم از باورهای دینی و فرهنگی را گوشزد کرده و پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی را خط بطلانی بر تمام وابستگی‌ها به غرب و آمریکا دانسته‌اند.

[1]. صحیفه‌ی امام، جلد 8، ص 100.

[2]. زونیس، ماروین (1370)، شکست شاهانه، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو، ج 2، ص 392.

[3]. لاجوردی، حبیب و فتحعلی آشتیانی، علی (1388)، «ریشه‌های حمایت آمریکا از حکومت استبدادی در ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی، شماره‌ی 25، ص 97.

[4]. زونیس، همان، ص 305.

[5]. صحیفه‌ی امام، همان، ج 1، ص 420.

[6]. حسینیان، روح‌الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (1343-1356)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 286-291.

[7]. صحیفه‌ی نور، همان، ج 11، ص 117.

[8]. نجاتی، غلامرضا (1384)، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله‌ی ایران از کودتا تا انقلاب، تهران، رسا، ص 88.

[9]. ترابی، قاسم (1391)، «وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه، نتایج و پیامدها»، تهران، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای، سال سیزدهم، شماره‌ی 3، ص 34.

[10]. صحیفه‌ی نور، همان، جلد 3، ص 126.

[11]. ورعی، جواد و ناصری، علی‌اکبر (1389)، «مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی»، حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره‌ی 4، ص 176.

[12]. صحیفه‌ی امام، همان، ج 12، ص: 4.

[13]. ورعی و ناصری، همان، ص 175.

[14]. حسینیان، همان.

[15]. پزشکی، محمد و حسینی‌زاده، محمدعلی و دیگران، انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی رخداد آن، ص 76.

[16]. جعفری، علی‌اکبر و قربی، سید محمدجواد (1392)، «راهبردهای مقابله با سلطه‌ی فرهنگی نظام استکبار در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)» پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره‌ی 9، ص 83.

[17]. صحیفه‌ی امام، جلد 19، ص 326.

زهره رحمانی

منبع: برهان